

ادبیات داستانی

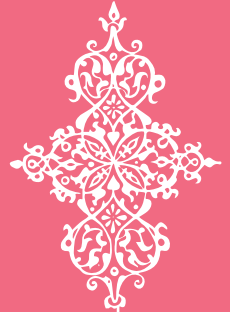
گوشه کوزه‌ش

در این فصل، متن‌هایی را می‌خوانیم که به شیوهٔ داستانی، موضوع‌ها و مفاهیمی را بیان کرده‌اند. به این گونه آثار که با بهره‌گیری از عنصر روایت، شخصیت، لحن، زمان، مکان و زاویهٔ دید و... پدید می‌آیند؛ «ادبیات داستانی» گفته می‌شود.

عناصر داستان

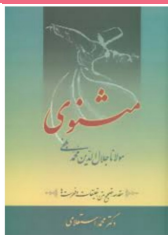
ادبیات داستانی، همهٔ آثار روایی را در بر می‌گیرد، یعنی هر اثر روایتی خلاصانه، در قلمرو ادبیات داستانی، جای می‌گیرد. ادبیات داستانی شامل **قصه، داستان، داستان کوتاه و رمان است.**

داستان در حقیقت، ظرفی است که نویسنده به کمک آن، تفکرات، آرزوها و جهت‌گیری‌های فکری خویش و مفاهیم خاص را در آن می‌گنجانند؛ پس با خواندن هر متن داستانی، باید به درون مایه و محتوای آن بیندیشیم.



درس چهاردهم

طوطی و بقال



<p>خوش نوایی، سبز، گویا طوطی ای مرعات نظیر</p>	<p>۱ بود بقالی و وی (را) طوطی ای مالکیت، دارندگی</p>
<p>نکته گفتی با همه سوداگران بازرگان، تاجر کنایه: شوخی کردن</p>	<p>۲ در دکان بودی نگهبان دکان می بود - استمراری</p>
<p>در نوای طوطیان حاذق بدی ماهر، چیره دست</p>	<p>۳ در خطاب آدمی، ناطق بدی سخن گفتن</p>
<p>شیشه های روغن گل را برینت جناس ناهمسان مانند</p>	<p>۴ جست از صدر دکان سویی گریخت واج آرایی س - ر</p>
<p>بر دکان بنشست فارغ، خوابه و ش تشبیهِ درون واژه ای</p>	<p>۵ از سوی خانه پیامد خواجاش تکرار: خواجه</p>
<p>بر سرش زد، گشت طوطی گل زانرب مرعات نظیر</p>	<p>۶ دید پر روغن دکان و جامه چرب کنایه تصغیر و کمی</p>
<p>مرد بقال از ندامت آه کرد پشیمانی و تأسف کنایه</p>	<p>۷ ریش برمی کند و می گشت: «ای دینغ کنایه: پشیمانی و ناراحتی تناسب</p>
<p>کافقاب نعمتم شد زیر میخ از بین رفتن حقیقتی با ارزش طوطی</p>	<p>۸ دست من بشکسته بودی آن زمان کنایه: پشیمانی و ناتوانی</p>
<p>تا بسیله نطق مرغ خویش (را) نشانه مفعولی</p>	<p>۹ حیدیه ها می داد هر درویش (را) به حرف اضافه</p>
<p>بر دکان بنشسته بد نویسوار تشبیهِ درون واژه ای</p>	<p>۱۰ بعد سه روز و سه شب حیران وزار تضاد</p>
<p>تا که باشد کاندرا آید او به گنت سخن</p>	<p>۱۱ می نمود آن مرغ را هر گون گشت کارهای عجیب، شکلک</p>
<p>با سر بی مو، چوپشت طاس و طشت تشبیهِ ایهام تناسب (طاس)</p>	<p>۱۲ جوتقی ای سر برهنه می گذشت درویش، پشیمانه پوش</p>
<p>بانگ بر درویش زد که: حی، فلان! شبه جمله منادا</p>	<p>۱۳ طوطی اندر گشت آمد در زمان چهار جمله مجازاً سخن فوری</p>





آیا قید پرسش
تو مگر از شیشه روغن رنجی؟! **۱۹**

درویش نشانه مفعول
کاو چو خود پنداشت صاحب دلق **۱۰**

مانند است
گر چه ماند در نبشتن شیر و شیر

مردان خدا
کم که ز ابدال حق، آگاه شد

ولی
لیک شد ز آن نیش و زین دیگر عمل

تضاد
زین یکی سرگین شد و زان، **نَشک ناب**

این یکی خالی و آن پر از شکر

تفاوت و فاصله زیاد داشتن
فرقتان **هفتاد** ساله راه بین

پس به هر دستی شاید داد دست
شایسته نیست
مثنوی معنوی (دفتر اول)، **مولوی**

هم نشین شدی
مخفف کجَل
از چه، ای گل، با کلان آمیختی؟ **۱۵**

مضاف الیه
از قیاس خنده آمد خنق **۱۱** به

مردان خدا
کار پاکان را قیاس از خود بگیر

نوع
جمله عالم زین سبب گمراه شد

هر دو گون ز نور خوردند از محس

جناس
هر دو گون آهو گیا خوردند و **آب**

آشخوار سرچشمه
هر دو نی خوردند از یک **آب خور**

نی نیشکر
نی تو خالی
صد هزاران این چنین **اشباه** بین

تناسب، اغراق
مجاز: کثرت و فراوانی
چون بسی **ابلیس** آدم روی هست
بسیاری
انسان فریبکار
آدم نما

جمع: شبهه و شبّه (مانندها)
هم آوا: اشباح - جمع: شَبَح (سایه ها)

شتابزدگی در داوری

قضاوت نکردن بر اساس ظاهر

مجاز: مردم

تناسب و تضاد

آهوی مشکین، آهوی ختن

آهوی معمولی

تناسب، اغراق
مجاز: کثرت و فراوانی

فارسی ۱
۱۱۴

جامه پاره پاره

جناس همسان

سرگین: فضله برخی
پهارایان مانند اسب
نَشک: ماده خوشبو
نوعی عطر

کتابه
تفاوت و فاصله زیاد داشتن
کتابه
دروستی کردن

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ معادل معنایی واژگان زیر را از متن درس بیابید.

- ابر (.....میغ)
- آسوده (.....فارغ)
- چیره دست (.....حاذق)
- مردان کامل (.....ابدال)

۲ درباره کاربرد کلمه «را» در بیت زیر توضیح دهید.

هدیه‌ها می‌داد هر درویش (را) تا بیابد نطق مرغ خویش (را)
مصراع اول: به (حرف اضافه) / مصراع دوم: (نشانه مفعول)

۳ درباره تحول معنایی کلمه «سوداگران» توضیح دهید سوداگران در گذشته و در متن درس، در معنی «مشتری‌ها»

و «فروشنده‌گان» بوده است و معنای مثبتی داشته است؛ امروزه معادل نابه کاران، بداندیشان و سودجویان اقتصادی است و معنای منفی دارد

۴ پسوند «وش» در کلمه «خواجه‌وش» به چه معناست؟ دو واژه دیگر که این پسوند را

دارا باشند، بنویسید. «وش» پسوند شباهت به معنای «مثل» و «مانند» است

نمونه‌های دیگر: مهوش / پرپوش / حوروش

قلمرو ادبی

۱ کنایه‌ها را در بیت هشتم بیابید و مفهوم آنها را بنویسید. ریش برکندن: شدت ناراحتی و اندوه

۲ مؤثرترین شیوه‌ای که مولوی در «مثنوی معنوی» از آن بهره می‌گیرد، «تمثیل» است.

تمثیل به معنای «تشبیه کردن» و «مثل آوردن» است و در اصطلاح ادبی، آن است که

شاعر یا نویسنده برای تأیید و تأکید بر سخن خویش، حکایت، داستان یا نمونه و مثالی را بیان کند تا مفاهیم ذهنی خود را آسان‌تر به خواننده انتقال دهد.

■ اکنون ارتباط محتوای این درس را با تمثیل به کار گرفته شده، توضیح دهید.

۳ در بیت ششم درس، کلمات «چرب» و «ضرب» در یک حرف اختلاف دارند و آرایه

تمثیل:

جناس: به دو کلمه هم جنس و همسان جناس گفته می‌شود

آوردن کلماتی که دقیقاً یا تقریباً به یک شکل نوشته می‌شوند، اما معنی متفاوت دارند

یکسانی دو واژه در تلفظ، اما معنای متفاوت داشته باشند.

همسان (تام)

بردار که در بند خویش است، نه برادر است، نه خویش است

فامیل

خود

انواع جناس

ناهمسان (ناقص): ناهمسانی دو واژه در یک واج (مصوت یا صامت)

(سلامت و ملامت) _ (تیغ و تیز) _ (بازار و بیزار)

الف) اختلافی ناهمسانی دو واژه فقط در یک واج

(دام و مدام) _ (دست و دوست) _ (زرو زرد)

ب) افزایشی: ناهمسانی واژه ها در تعداد واج

انواع جناس ناهمسان (ناقص)

(ملک و ملک) _ (گل و گل) _ (مهر و مهتر)

ج) حرکتی: ناهمسانی واژه ها در مصوت های کوتاه

جناس ناهمسان (ناقص) را در بردارند. کلماتی نظیر «**روان**» (روح) و «**روان**» (جاری) که جز معنی، هیچ گونه تفاوتی از دید آوایی و نوشتاری با هم ندارند، **جناس همسان (تام)** را پدیدمی آورند؛ مثال:



■ از متن درس، نمونه‌هایی برای انواع جناس بیابید.

جناس همسان تام: شیر / شیر

جناس ناهمسان ناقص: چرب / ضرب - هست / دست - خلق / دلق

قلمرو فکری

۱ مولوی در بیت‌های زیر، بر چه مفهومی تأکید دارد؟

■ هر دو نی خوردند از یک آب‌خور این یکی خالی و آن پُر از شکر

■ دست کان لرزان بود از ارتعاش وانکه دستی تو بلرزانی ز جاش

■ هردو جنبش آفریده حق، شناس لیک، نتوان کرد این، با آن قیاس

از سنجش و قیاس برمبنای ظاهر و سطحی نگری باید پرهیز کرد. زیرا در پدیده‌هایی به ظاهر شبیه هم، تفاوت‌هایی وجود دارد

۲ با توجه به بیت زیر:

«جمله عالم زین سبب گمراه شد کم کسی ز ابدال حق آگاه شد»

الف) مقصود از «ابدال» چه کسانی است؟ مردان خدا

ب) از نظر شاعر، علت گمراهی جمله عالم چیست؟ عدم شناختن مردان حق

۳ مولوی در بیت زیر، آدمی را از چه چیزی برحذر می‌دارد؟

■ چون بسی ابلیس آدم روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست

توصیه می‌کند که نباید به ظاهر انسان‌ها فریفته شد بلکه به باطن افراد هم باید توجه کرد

۴

و ما را از دوستی با انسان‌های شیطان صفت و بد ذات برحذر می‌دارد.

گنج حکمت ای رفیق!

مهربانی

روبه رو شد

روزی حضرت عیسی روح الله می گذشت. ابله‌ی با وی دچار شد و از حضرت عیسی سخنی

پرسید؛ بر روشنی تلف جوابش باز داد و آن شخص مسلم نداشت و آغاز عربده و سفاهت نهاد. نادانی

چندان که او نفرین می کرد، عیسی تحسین می نمود. باور نداشت نعره و فریاد

عزیزی بدان جا رسید؛ گفت: «ای روح الله، چرا زبون این ناکس شده‌ای و هر چند او قهر خشم و غضب

می کند، تو لطف می فرمایی و با آنکه او جور و جفا پیش می برد، تو مهر و وفا بیش می نمایی؟»

جناس تناسب

عیسی گفت: «ای رفیق! کُل اناء

یترشح بما فیه، از کوزه همان برون تراود چکیدن، تراوش کردن

که در اوست؛ از او آن صفت می زاید و خصلت

از من این صورت می آید. من از وی در رفتار

غضب نمی شوم و او از من صاحب ادب

می شود. من از سخن او جاهل نمی گردم

و او از خلق و خوی من عاقل می گردد.» تضاد



اخلاق محسنی، حسین واعظ کاشفی